

## نقدی بر کتاب برنامه‌ریزی درسی برای مدارس ابتدایی در هزاره سوم

پروین صمدی<sup>۱</sup>، طاهره احمدی<sup>۲</sup>

(دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۲۵ - پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۱۵، نوع مقاله: پژوهشی)

### چکیده

با توجه به اهمیت دوره ابتدایی در نظام آموزشی، این مقاله به بررسی کتاب برنامه‌ریزی درسی برای مدارس ابتدایی در هزاره سوم می‌پردازد. در این پژوهش از روش کاوشگری فلسفی انتقادی استفاده شد. ابزار نقد اثر، چک‌لیست نقد کتب دانشگاهی شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی بود. برای تحلیل اطلاعات نیز از تحلیل محتوای کیفی استفاده شد. براساس یافته‌ها، قوت‌های کتاب شامل نگارش روان و رسا و سازواری اثر با مبانی و اصول دینی و اسلامی - ایرانی بود. ضعف‌های اثر نیز عبارت بودند از قدیمی بودن منابع، استناددهی نامناسب، ابهام در امانت‌داری در منبع‌دهی، نداشتن نوآوری و قدیمی بودن محتوا، کم‌توجهی به مبانی و پیش‌فرض‌های موردقبول در حوزه برنامه‌ریزی درسی، تکراری بودن بسیاری از مطالب و عدم استفاده از طراحی جلد متناسب با عنوان اثر. با در نظر گرفتن قوت‌ها و ضعف‌های فوق می‌توان گفت این اثر نیازمند بازنگری است.

واژه‌های کلیدی: برنامه‌ریزی درسی، تقی‌پور ظهیر، دوره ابتدایی، نقد کتاب

- 
۱. دانشیار برنامه‌ریزی درسی گروه مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه الزهرا (س)، تهران (psamadi@alzahra.ac.ir)، نویسنده مسئول
  ۲. دانشجوی دکتری برنامه‌ریزی درسی گروه مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران

University Textbooks; Research and Writing  
Vol. 26, No. 50, Spring & Summer 2022, 189-212  
DOI: 10.30487/rwab.2022.553219.1511  
DOR: 20.1001.1.26767503.1401.26.50.8.8

### ***A Critique of Curriculum Planning for Elementary Schools in the Third Millennium***

Parveen Samadi<sup>1</sup>, Tahereh Ahmadi<sup>2</sup>

Received: 16/08/2022, Accepted: 05/05/2022

#### **Abstract**

Considering the importance of the elementary school in the educational system, this article examines the book on lesson planning in the third millennium. In this research, the philosophical exploration method. was used critically. The tool for criticizing the work was the checklist of university book criticism of the Humanities Texts and Books Review Council. Qualitative content analysis was also used for data analysis. According to the findings, the strengths of the book included fluent and expressive writing and the harmony of the work with religious and Islamic-Iranian principles. The weaknesses of the work were the oldness of the sources, inappropriate citations, ambiguity in trustworthiness in giving sources, lack of innovation and oldness of content, lack of attention to accepted basics and assumptions in the field of curriculum, repetitiveness of many materials and lack of suitable cover design with title of the book. Considering the above strengths and weaknesses, it can be said that this work needs to be reviewed.

**Keywords:** curriculum planning, Taghipour Zahir, elementary school, book review

- 
1. Associate Professor of Curriculum, Department of Educational Management and Planning, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Al-Zahra University (S), Tehran (psamadi@alzahra.ac.ir) (Corresponding Author)
  2. PhD Student Curriculum Development, Department of Educational Planning and Management, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Al-Zahra University (S), Tehran, Iran

## مقدمه

کتاب درسی به عنوان ابزار مهم آموزش از گذشته‌های دور در خدمت آموزش قرار گرفته است و همواره یکی از ابزارهای مهم در آموزش محسوب می‌شود، به‌ویژه در نظام آموزشی ما (هم در نظام آموزش و پرورش و هم در نظام آموزش عالی) جایگاه ویژه‌ای دارد و در تهیه و تدوین آن باید از معیارها و استانداردهای دقیق بهره جست. در حال حاضر با گسترش علوم مختلف از یک سو و پیشرفت‌های حاصل شده در زمینه فناوری (تکنولوژی) از سوی دیگر وضعیت کتاب‌های درسی نیز هم از نظر کیفیت و هم از نظر ویژگی‌های فنی و صوری بهبود یافته است و از این جنبه بین کتاب‌های درسی جدید و کتاب‌هایی که در گذشته چاپ می‌شد تفاوت‌های قابل توجهی وجود دارد (آرمند، ۱۳۸۷، ص ۱۴۸) موفقیت و تولید یک کتاب دانشگاهی در تولید و اشاعه دانش تصادفی نیست، بلکه بر بنیانی از تخصص، تجربه و دانش استوار است. این آثار که سهمی اساسی در پیش برد اهداف آموزش عالی در هر کشور دارند، باید بر اساس معیارها و ویژگی‌های مشخصی تدوین شوند (منصوریان، ۱۳۹۲، ص ۱۶). در دنیایی که استانداردهای کالاهای مادی و نظارت بر کیفیت تولید محصولات به یک ضرورت و اجبار تبدیل شده است، بی‌تفاوتی نسبت به استاندارد و ارزشیابی تولیدات فکری و ابزار آموزش انسان‌ها، حتی با نگاهی مادی‌پذیرفتنی نیست. کتاب درسی چه در مفهوم سنتی آن و چه با نگرش پسامدرنی، چه کاغذی و چه مجازی، در هر صورت تابع شیوه هدفمند آموزش و مبتنی بر زیرساخت محتوایی و علمی خاصی است که در چارچوب ضوابط ساختاری و شکلی با، لحن و سبک خاص، از علوم و تخصص‌های گوناگون بهره می‌گیرد و حاصل تلاش صاحبان اندیشه و متخصصانی است که هر یک سهمی در آفرینش این موجود دارند؛ موجودی که دور تکوین، رشد، شکوفایی و افول را همچون دیگر صاحبان طی می‌کند (ابوالحسنی، ۱۳۸۵، ص ۹). یکی از کتاب‌هایی که در سال‌های اخیر در حوزه برنامه‌درسی تألیف و روانه بازار علمی شده است، کتاب *برنامه‌ریزی درسی مدارس ابتدایی در هزاره سوم* است که به دو دلیل نیازمند نقد و بررسی است. دلیل اول، منبع مورد استفاده دانشجویان کارشناسی رشته علوم تربیتی و کارشناسی ارشد و حتی دکتری رشته برنامه‌ریزی درسی است و دلیل دوم نقش این کتاب در تدوین برنامه‌های درسی خصوصاً در دوره ابتدایی است. این اثر با عنوان برنامه‌ریزی درسی برای مدارس ابتدایی در هزاره سوم، این طور نشان می‌دهد که قصد آموزش فرایند برنامه‌ریزی درسی برای مدارس

ابتدایی را خصوصاً در هزاره سوم دارد. در همین راستا پژوهشگران در صدد هستند با استفاده از شاخص‌های ارزیابی دریابند در این زمینه تا چه حد درست عمل شده است.

### مبانی نظری و پیشینه پژوهش

از آنجایی که کتاب‌های درسی یکی از اجزای لاینفک فرایند یادگیری هستند، ارزشیابی آن‌ها برای بهبود مطابقت آن‌ها با نیازها و اهداف فراگیران مهم است (کریم‌نیا و جعفری<sup>۱</sup>، ۲۰۱۷). عوامل مهم زیادی در روند بهبود کیفیت کتاب‌های درسی نقش دارد: مقررات قانونی، رقابت میان ناشران، کمک به ناشران برای درک ماهیت کتاب‌های درسی جدید، ایجاد و آموزش گروه نویسندگان، ایجاد مؤسسات حرفه‌ای مستقل برای اعتباربخشی و ارزشیابی کتب درسی، آموزش منظم معلمان در تجزیه و تحلیل و استفاده از کتب درسی، تصویب جوایز برای کتاب‌های درسی خوب، آزمون میزان استقبال و نگرش دانش‌آموزان نسبت به کتاب‌های درسی خاص، پیگیری و بررسی عملی اثربخشی کتاب‌های درسی، توسعه فرهنگ بررسی همتایان و تحلیل انتقادی عمومی از کتاب‌های درسی منتشر شده (آنتیچ<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۱۳). فی و ماتس<sup>۳</sup> (۲۰۱۸) ارزشیابی کتاب‌های درسی را با تمرکز بر نقش عملکردی آن در مورد سیستم‌های سیاست آموزشی و توسعه فرهنگی، هدایت ارزش‌ها، آمادگی برای یادگیری را مورد توجه قرار می‌دهند. ایدئال این است که کتاب‌های درسی ملاحظات روان‌شناختی، به‌ویژه آمادگی برای یادگیری فراگیران را با خواسته‌های درونی موضوع درسی ترکیب کنند. جان دیویی اشاره می‌کند تا جایی که ممکن است مطالب موجود در کتاب‌های درسی باید مستقیماً در دسترس فراگیران باشد و وابستگی به میانجیگری معلم باید حداقل باشد. در واقع، جایی که به کتاب‌های درسی مدرسه مربوط می‌شود، جذابیت زیبایی‌شناختی نه به‌خودی‌خود، بلکه به‌عنوان معیاری برای دسترسی به آن‌ها در نظر گرفته می‌شود (این<sup>۴</sup>، ۲۰۲۲). منصوریان (۱۳۹۲) با نگاهی جامع، صد ویژگی را برای کتاب‌های دانشگاهی اثربخش و کارآمد اشاره و آن‌ها را در ده عامل طبقه‌بندی کرده است: (۱) تخصص‌گرایی و هدفمندی؛ (۲) توان نظری و دلالت‌های کاربردی؛ (۳) توان استنادی و ماهیت میان‌رشته‌ای؛ (۴) جامعیت و روزآمدی؛ (۵) صلاحیت و

1. Karimnia & Jafari  
2. Antic  
3. Fey & Matthes  
4. Wain

کارنامه پدیدآورندگان؛ ۶) پاکیزگی نگارشی و ادبی؛ ۷) انسجام محتوایی و ساختاری؛ ۸) همخوانی با نظریه‌های یادگیری؛ ۹) ماهیت تعاملی و توان انگیزشی؛ ۱۰) ویژگی‌های فیزیکی و ظاهری. از نظر لاکتا و دراکولیچ<sup>۱</sup> (۲۰۱۵)، به نقل از حسینی، ۱۳۹۶، ص ۱۱۸، نیز نگارش مختصر، قابل فهم بودن و به زبانی شیوا، تنظیم با استفاده از روش‌شناسی سیستماتیک، ساختار و نظم منطقی فصل‌ها و بخش‌های آن، استفاده هماهنگ و منسجم از متن تصویر و نقشه، از مهم‌ترین شاخص‌های کتاب درسی است. امروزه متخصصان علوم تربیتی در زمینه ارائه کتاب‌های درسی و آموزشی که متناسب با اصول صحیح در همه ابعاد یک کتاب خوب باشد، تلاش بسیاری کرده‌اند و علاوه بر این که به محتوای آشکار کتاب‌ها توجه کرده، به محتوای پنهان آن نیز بهای زیادی داده‌اند. بنابراین برای تحلیل محتوای هر کتاب درسی باید به همه ابعاد کتاب توجه لازم داشت. از طرفی دیگر تعدادی از محققان اتفاق نظر دارند که کتاب‌های درسی دانشگاهی از رویه و اصول به‌خصوصی پیروی نمی‌کنند، بلکه نویسندگان مطابق میل شخصی نسبت به تدوین اقدام می‌کنند (حسینی و خندقی، ۱۳۹۶، ص ۱۲۳). نتایج پژوهش احمدآبادی و دانا با عنوان جستاری بر اهداف و مؤلفه‌های ارزیابی نقادانه کتب درسی دانشگاهی (۱۳۹۶)، نشان می‌دهد در نقد کتب درسی- دانشگاهی علاوه بر توجه به بُعد ظاهری، ساختاری، محتوایی و نگارشی دو بُعد دیگر وجود دارد که اهمیت بالایی دارند و آن عبارت‌اند از بُعد پژوهشی و بُعد آموزشی. اگر بُعد آموزشی و پژوهشی در نقد کتب درسی - دانشگاهی که نخستین هدف آن انتقال یک پیام آموزشی است - نادیده گرفته شود نقد اثر مورد نظر ابرتر می‌ماند و به‌غایت مقصود نمی‌رسد. تأملی بر عوامل و نشانگان کارآمدی و اثربخشی هر کتاب مطرح در رشته مدیریت آموزشی (۱۳۹۶) عنوان مقاله حسن‌رضا زین‌آبادی و فرشته بابان آبادی است که در نشریه پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی به چاپ رسیده است. نتایج نشان داد که کتاب مورد ارزیابی هرچند در برخی از ابعاد وضعیت مطلوبی دارد، اما در برخی از ابعاد بسیار مهم دیگر، شامل جامعیت و روزآمدی، پاکیزگی نگارش ادبی، همخوانی با نظریه‌های یادگیری و ماهیت تعاملی و توان انگیزشی مناسب نیست. سید مسعود حسینی و مقصود امین خندقی در مقاله‌ای در سال ۱۳۹۶ به بررسی و تحلیل کتاب‌های درسی دانشگاهی انتشارات سمت رشته علوم تربیتی پرداخته‌اند. هدف اصلی این پژوهش نقد و بررسی کتاب‌های درسی دانشگاهی انتشارات سمت رشته علوم تربیتی با توجه به دروس و

سرفصل‌های رشته مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی دانشگاه فردوسی مشهد با حجم نمونه ۲۸ جلد از این کتاب‌ها بوده که با استفاده از پرسش‌نامه ۳۸ سؤالی محقق ساخته در چهار حیطه (شاخص‌های ارزیابی، ساختاری، شکل ظاهری تصاویر و اشکال ارزیابی زبانی) مورد تحلیل قرار گرفتند. نتایج این پژوهش نشان داد که در بخش ساختاری، وجود مقدمه در ابتدای کتاب و ابتدای هر فصل جمع‌بندی مباحث و نتیجه‌گیری در انتهای هر فصل و داشتن فهرست جدول‌ها و نمودار در سطح نامطلوبی هستند. از نظر شکل ظاهری نیز یک چهارم این کتاب‌ها از لحاظ تناسب تعداد صفحه با هر واحد درسی و طبقه‌بندی درست مطالب و تناسب میان حجم فصل‌ها در سطح مطلوبی نیستند. همچنین در مورد شاخص‌های ارزیابی تصاویر و اشکال حدود ۱۵ درصد این کتاب‌ها فاقد هرگونه تصاویر، اشکال، جدول و نمودار هستند و در بخش ارزیابی زبانی یک چهارم این کتاب‌ها فاقد معادل‌های لاتین و اصطلاحات خارجی در پی‌نوشت هستند و بیش از ۵۰ درصد آن‌ها فاقد اصطلاحات تخصصی یا واژه‌نامه، پایان کتاب بوده و در مورد قواعد نگارشی و کیفیت ساختار دستوری نیز بعضی از آن‌ها به بازمینی نیاز دارند. نقدی بر کتاب‌های درسی دانشگاهی رشته علوم تربیتی در ایران عنوان مقاله پژوهشی حسینی و مطور است. روش مورد استفاده در این پژوهش، تحلیل محتواست. جامعه آماری شامل تمام کتب درسی علوم تربیتی در حال تدریس دانشگاه‌های کشور است که هشتاد کتاب پرکاربرد به شیوه نمونه‌گیری هدفمند برای نمونه انتخاب شده‌اند. ابزار اندازه‌گیری داده‌ها چک‌لیست (فرم) نقد کتب درسی دانشگاهی شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی است که روایی آن از طریق روایی محتوایی و پایایی آن از طریق اجرای آن در بیست کتاب درسی و براساس آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۸ برآورد شده است. برای انجام نقد، هر کتاب توسط دو استاد متخصص، نقد و با تلفیق نظرات آن‌ها، پاسخ‌های سؤالات به دو صورت کمی و کیفی استخراج شده است. برای تحلیل داده‌ها در بخش کیفی از روش هولستی و در بخش کمی از رویکرد «تحلیل محتوای کمی» رایف، لیسلی و فیکو استفاده شده است. براساس یافته‌های پژوهش، مهم‌ترین نقاط قوت کتاب‌های درسی در بخش شکلی و محتوایی، مواردی چون سلیس و قابل فهم بودن نگارش اثر، رعایت قواعد ویرایشی و نگارشی و معادل‌سازی مناسب و استفاده از اصطلاحات تخصصی است؛ و از مهم‌ترین نقاط ضعف آن‌ها در همین بخش‌ها می‌توان به داشتن غلط‌های چاپی، نامناسب بودن طرح جلد، صحافی و کیفیت چاپ و استفاده نکردن از ابزارهای علمی و تطابق نداشتن با سرفصل‌های

شورای عالی برنامه‌ریزی اشاره کرد. در این مقاله در سال ۱۳۹۱ در مجله پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی به چاپ رسیده است. «نقدی بر کتاب برنامه‌درسی در دوره متوسطه» (۱۳۹۷) عنوان مقاله‌ای است که به قلم سید محمدحسین حسینی به نگارش درآمده و در پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به چاپ رسیده است. در این مقاله از روش‌های مرور انتقادی کتاب، کاوشگری فلسفی انتقادی و نقادی آموزشی استفاده شده است. براساس یافته‌ها، نقاط قوت کتاب شامل جامعیت صوری، حروف نگاری، کیفیت چاپ و صحافی، سازواری با مبانی و اصول دینی و اسلامی، به کارگیری ابزارهای علمی و معادل‌سازی و کاربرد اصطلاحات تخصصی است. کاستی‌های اثر نیز عبارت‌اند از: طرح جلد نامناسب، نیاز به ویراستاری علمی و ادبی، نظم و انسجام کلی و درون فصلی نامناسب، ابهام در منابع، نداشتن تحلیل علمی، نداشتن نوآوری و جدید نبودن محتوا، سازوار نبودن محتوای اثر با مبانی و پیش‌فرض‌های حوزه معرفتی «برنامه‌درسی» و عدم پوشش سرفصل‌های مصوب وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.

## روش

برای بررسی موضوع از روش پژوهش (کاوشگری فلسفی - انتقادی) استفاده شده است. کاوشگری فلسفه انتقادی یعنی جست‌وجوی مبنای منطقی، شیوه‌های استدلال، ارزش‌های راهنما یا هنجارهایی که (در فلسفه) بر اندیشه‌ها و اعمال حاکم هستند. چیزی که ویل (۱۹۸۸) آن را حاکمیت تأمل فلسفی بر عمل خوانده است. رسالت انتقاد روشن است: معیارهایی را برای قضاوت درباره‌ی خوبی، اثربخشی، مناسبت، تأثیر و ماندن آن کشف می‌کند. بنابراین کاوشگری فلسفه انتقادی عهده‌دار رسالت ابهام‌زدایی، شفاف‌سازی، بالا بردن فهم و درک، تدارک گزینه‌های بدیل، فراتر رفتن، راهبرد شدن به سوی عقلانیت، توجیه توصیه‌های سیاست‌های برنامه‌درسی و سرانجام بهبود عمل تربیت و برنامه‌درسی ضمن آن است (هاگرسون، ۱۳۹۴، ص ۶۶). مراحل نقادی آموزشی از نظر مک کاجن<sup>۱</sup> (۱۹۷۹) شامل، توصیف<sup>۲</sup>، تفسیر<sup>۳</sup> و ارزیابی<sup>۴</sup> است. در بُعد توصیف نقاد آشکارا تلاش

1. mccutcheon
2. description
3. interpretation
4. assessment

می‌کند، کیفیت‌های موجود در بازه برنامه‌های درسی یا وقایع آموزشی را به تصویر بکشد یا برجسته سازد. در بُعد تفسیر نقاد تلاش می‌کند تا به کیفیت‌های توصیف‌شده معنا بخشد. نقاد تلاش می‌کند ساختار عمیق دریافت‌شده از پدیده‌های آموزشی را تبیین کند و اهمیت آن‌ها را به عنوان بخشی از یک مجموعه یا شبکه معنایی اجتماعی منعکس کند. بُعد تفسیر اغلب به زبانی نیاز دارد که صریح یا دارای دلالت‌های آشکار است و از این نظر با بُعد سوم - یعنی ارزیابی - در استفاده از عبارت‌های گزاره اشتراک دارد. در بُعد ارزیابی منتقد آموزشی به صورت روشن خصوصیات مهم موضوع را بر طبق معیارهای آموزشی شخصی ارزشیابی می‌کند (مک کاجن، ۱۳۹۴). در این مقاله مراحل کاوشگری فلسفی انتقادی شامل مراحل سه گانه الف) توصیف و تشریح کتاب؛ ب) تفسیر کتاب؛ ج) ارزیابی و تعیین کارایی کتاب در بخش نتیجه‌گیری آورده شده است.

#### جدول ۱ مراحل نقادی کتاب درسی

۱. توصیف و تشریح	۲. تفسیر	۳. ارزیابی و تعیین کارایی
معرفی کتاب	تدوین و معرفی معیارهای نقادی کتاب	تعیین قوت‌ها و ضعف‌های کتاب
تحلیل و تفسیر کتاب براساس معیارهای فوق		قضاوت درباره کتاب

مورد مطالعه در این مقاله، کتاب برنامه‌ریزی درسی برای مدارس ابتدایی در هزاره سوم بود که از طریق چک‌لیست نقد کتب درسی دانشگاهی شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها بررسی شد (دبیرخانه شورای بررسی متون، ۱۳۹۶). با توجه به این چک‌لیست کتاب‌های دانشگاهی در دو بُعد شکلی و محتوایی تحلیل می‌شوند. معیارهای بخش شکلی شامل جامعیت صوری، کیفیت چاپی و فنی، رعایت قواعد عمومی نگارش و ویرایش، روان و رسا بودن است و معیارهای بخش محتوایی عبارت‌اند از: نظم منطقی و انسجام مطالب، منابع مورد استفاده، تحلیل و بررسی و تجزیه و تحلیل علمی مسائل مورد نظر، نوآوری و نو بودن، مبانی و پیش فرض‌ها، انطباق و جامعیت، انطباق با آخرین سرفصل‌های مصوب وزارت علوم تحقیقات و فناوری، نحوه به کارگیری ابزارهای علمی و اصطلاحات تخصصی. در نهایت اطلاعات به صورت تحلیل محتوای کیفی تحلیل شد.



## یافته‌ها

متناسب با روش کاوشگری فلسفی - انتقادی، یافته‌های مربوط به سؤالات به شرح زیر است:

### معرفی و توصیف اثر

کتاب برنامه‌ریزی درسی برای مدارس ابتدایی در هزاره سوم، کتابی ۲۲۴ صفحه‌ای است که توسط آقای دکتر علی تقی‌پور ظهیر در سال ۱۳۸۷ توسط انتشارات آگه، برای اولین بار منتشر شده است. علی تقی‌پور ظهیر متولد ۱۳۱۳، استاد دانشگاه و مؤلف کتاب‌های متعددی در حوزه علوم تربیتی است. کتب مبانی و اصول آموزش و پرورش، مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی آموزشی و درسی، برنامه‌ریزی آموزش و پرورش (نظریه‌ها، روش‌ها و فنون) از جمله تألیفات این نویسنده است. کتاب برنامه‌ریزی مدارس ابتدایی در هزاره سوم مشتمل بر چهار بخش و شانزده فصل به شرح جدول ذیل است:

جدول ۲ توصیف اثر

بخش	فصل	محتوا
یکم: مفاهیم و مبانی برنامه‌ریزی درسی دوره ابتدایی	۱. معنی و مفهوم برنامه‌ریزی درسی	برنامه درسی قصدشده، پنهان، انفرادی و شخصی
	۲. مبانی برنامه‌ریزی درسی در دوره ابتدایی	مفهوم یادگیری، مبانی فرایند یادگیری
	۳. مبانی جامعه‌شناختی برنامه‌ریزی درسی	بررسی چالش‌های آموزش و پرورش در قرن ۲۱
	۴. برنامه درسی و نظام ارزش‌ها	منابع هدف‌ها، جهت‌گیری هدف‌ها، اهداف پایه اول تا پنجم، هدف‌های (کلی و جزئی) در برنامه درسی
دوم: سازمان برنامه درسی	۵. گروه‌بندی کودکان در مدارس ابتدایی	گروه‌بندی، تشکیل گروه‌های آموزشی، تدریس گروهی، مزایا و محدودیت‌ها
	۶. سازمان دادن تجارب یادگیری	اصول سازمان دادن برنامه درسی، انواع سازمان برنامه درسی،
	۷. سازمان دادن کلاس برای زیستن و یادگیری.	اصول روش‌های آموزش مبتنی بر تازه‌های روان‌شناسی یادگیری، ارزش‌های متعالی جامعه، هدف‌های کلی آموزش و پرورش
	۸. رهبری بهسازی و توسعه برنامه درسی	تشکیل کمیته برنامه‌ریزی درسی، وظایف رهبری برنامه‌ریزی درسی

ادامهٔ جدول ۲

بخش	فصل	محتوا
سوم: حوزه‌های برنامه درسی مدارس ابتدایی	۹. ارتباطات: مهارت‌های زبان	ویژگی‌های عمده برنامه، هدف‌های کلی، پیوستگی و یکپارچگی، برنامه‌ریزی برای توسعه
	۱۰. زیستن باهم: مطالعات اجتماعی	هدف‌ها و سازمان دادن و برنامه‌ریزی برای برنامه
	۱۱. آموزش روابط کمی: ریاضیات	اهداف، محتوا، ارزشیابی
	۱۲. کشف محیط طبیعی: علوم در برنامه درسی	هدف، وسعت و توالی، ابعاد ضروری، ارزشیابی پیشرفت تحصیلی
	۱۳. سالم زیستن: بهداشت و تربیت بدنی	هدف، مؤلفه‌ها، محتوا،
	۱۴. غنی‌سازی و زیبا کردن زندگی	جایگاه هنر، هدف‌های آموزش هنر، ارزشیابی پیشرفت دانش‌آموزان
چهارم: ارزشیابی پیشرفت دانش‌آموزان و چشم‌انداز آینده	۱۵. ارزشیابی پیشرفت دانش‌آموزان	معنا، ابعاد و مقاصد ارزشیابی، برنامه جامع ارزشیابی
	۱۶. چشم‌انداز آینده مدارس ابتدایی	تغییر و اصلاح برنامه درسی، مدارس ابتدایی در آینده، معلمان مدارس، تغییر مفاهیم کارکرد معلم، ساختمان مدارس

### تفسیر اثر

دومین گام از نقد این اثر، تفسیر آن براساس معیارهای مشخصی است که در این مقاله، معیارهای چک‌لیست نقد کتب دانشگاهی شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (۱۳۹۶) مدنظر قرار گرفت. این کتاب براساس این معیارها به شرح زیر است.

### جامعیت صوری

این اثر از نظر جامعیت صوری دارای پیش‌گفتار، فهرست تفضیلی مطالب، خلاصه فصل و منابع است، اما از مقدمه فصول، اهداف درس، تمرین و آزمون، واژه‌نامه، معرفی منابع برای

مطالعه در هر فصل، پیشنهاد پژوهش در هر فصل و نمایه نام‌ها که به غنای اثر می‌افزاید، استفاده نشده است.

### کیفیت فنی و ظاهری

طرح جلد، حروف‌نگاری، صفحه‌آرایی، کیفیت چاپ، صحافی، قطع کتاب و اشتباهات تایپی نشانگرهای کیفیت فنی و ظاهری هر کتاب است. طرح روی جلد این اثر، تصویری شبیه دانش آموز است که به صورت سایه روشن دیده می‌شود که ظاهراً ارتباطی با برنامه‌ریزی درسی ندارد این طرح در پشت جلد کتاب ادامه پیدا کرده و عنوان انگلیسی اثر آورده شده است. حروف‌نگاری تقریباً مناسب است. باید تأکید کرد که جلد کتاب مانند نمای بیرونی یک ساختمان است و نخستین برخورد خواننده با کتاب دیدن جلد آن است. خوش‌رنگ و خوش طرح بودن جلد کتاب‌ها همراه با سادگی، زمینه‌ساز همسویی عاطفی دانشجویان با کتاب و محتوای آن خواهد بود (امینی، ۱۳۹۶، ص ۴۰). جهت داشتن ارتباط یا دانشجویان، می‌توان از طرح جلد مناسب عنوان کتاب با رنگ و طراحی مناسب استفاده شود. صفحه‌آرایی، کیفیت چاپ، صحافی و قطع کتاب مذکور مناسب است.

رعایت قواعد عمومی نگارش و ویرایش (نیازی به ویرایش ندارد، مطابق

چک‌لیست نقد کتب دانشگاهی است)

کتاب از نظر ویژگی‌های نگارشی و ویرایش ادبی وضعیت نسبتاً خوبی دارد، با این همه مواردی وجود دارد که بعضی از آن‌ها عبارت‌اند از: قرار دادن ویرگول در بعضی از صفحات از جمله؛ در صفحه ۲۵، پاراگراف دوم خط چهارم، در همین صفحه پاراگراف آخر، خط ششم، صفحه ۳۰، پاراگراف دوم، خط دوم. در صفحه ۲۳ خط فاصله بین دو کلمه خود شکوفایی برداشته شود. در صفحه ۱۳۹، کلمه «تأکید» به صورت برجسته استفاده شده است که نیازی به برجستگی آن احساس نمی‌شود. همچنین یکدستی و هماهنگی در زیرنویس‌ها بهتر است رعایت شود، برای مثال در صفحه ۱۸۱، مناظر استوانه‌ای زیرنویس دارد، ولی آموزش بین فرهنگی در صفحه ۱۱۲، انواع سازمان‌دهی در صفحه ۷۰، اصول سازمان‌دهی در صفحه ۶۷، برنامه جامع ارزشیابی در صفحه ۱۹۱، ارزشیابی مداوم و مستمر در صفحه ۲۰۲، برنامه درسی متعادل در صفحه ۲۱۶، نیاز به زیرنویس لاتین دارد. به‌طور کلی در کتاب منبع دهی مناسب وجود ندارد یا مطالبی بیان شده است، بدون ذکر منبع، مانند مطالب فصول ۲، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۳ یا منبع در پانویس که رایج نیست آورده شده است، مانند صفحات ۳۰، ۴۶، ۱۱۸.

در مجموع در این اثر مطالب متعددی وجود دارد که منبع مشخصی ندارند و نمی‌توان آن‌ها را به نویسنده نسبت داد، مانند مطالب فصول ۱۰، ۱۱ و ۱۳.

### روان و رسا بودن

نگارش فصول کتاب روان و رساست.

### نظم منطقی و انسجام مطالب

نظم و انسجام اثر در دو بُعد انسجام کلی و درون فصلی مدنظر قرار می‌گیرد. با در نظر گرفتن نشانگرهای تناسب و عناوین فصول با عنوان اثر، ارتباط و هماهنگی محتوای فصول با یکدیگر، همچنین توالی محتوا، نظم و انسجام کلی اثر به شرح زیر است:

الف) معیار تناسب عناوین و محتوای فصول با عنوان اثر  
با در نظر گرفتن عنوان اثر و عناوین و محتوای فصول، انطباق بین عناوین و محتوای اثر عبارت است از:

جدول ۳ وضعیت تناسب عنوان اثر و محتوای کتاب

عنوان بخش	ارتباط با عنوان اثر
مفاهیم و مبانی برنامه‌ریزی درسی در دوره ابتدایی	بخش نظری برنامه‌ریزی درسی
سازمان برنامه درسی	بخش عملی تدوین برنامه‌های درسی
حوزه‌های برنامه درسی مدارس ابتدایی	بخش نظری مربوط به محتوا در برنامه‌ریزی درسی
ارزشیابی پیشرفت دانش‌آموزان و چشم‌انداز آینده	بخش نظری مربوط به ارزشیابی در برنامه‌ریزی درسی

### ب) ارتباط و هماهنگی محتوای فصول با یکدیگر

الف) در ادامه ارتباط و هماهنگی محتوای فصول کتاب، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

ب) ارتباط و هماهنگی محتوای فصول با یکدیگر: براساس این نشانگر، تمامی فصول به هم مرتبط هستند و هماهنگی لازم را دارد. محتوای فصل‌های دوم و سوم اندک بوده است. می‌توان محتوای این دو فصل را در هم ادغام کرد. همچنین این دو فصل فاقد منبع هستند.

فصل اول: عنوان فصل اول معنی و مفهوم برنامه‌ریزی درسی است. محتوای این فصل با عنوان آن هماهنگی اندکی دارد. قسمت‌های آغازین این فصل با گوناگونی رویکردها و موضع‌گیری‌های مختلف و تأثیر آن بر برنامه‌ریزی درسی را مورد بررسی قرار داده است. در این فصل تفاوت میان برنامه‌درسی و برنامه‌ریزی درسی مشخص نیست. مهرمحمدی (۱۳۹۶) برنامه‌ریزی درسی را معرف یکی از ابعاد رشته برنامه‌درسی<sup>۱</sup> بیان می‌کند که ناظر به فرایند تدوین برنامه<sup>۲</sup> است. تعاریف متعددی از برنامه‌درسی صورت گرفته است. بوشامپ (به نقل از مهرمحمدی، ۱۳۹۶ الف، ص ۱۴) معتقد است برنامه‌درسی می‌تواند معنی‌های گوناگون داشته باشد و این معانی تنها در لفظ با یکدیگر شریک هستند. نخست معنای برنامه‌درسی، همان معنای برنامه‌درسی به عنوان یک سند مکتوب یا یک برنامه‌درسی است. دومین معنای برنامه‌درسی، نظام برنامه‌ریزی درسی یا مهندسی برنامه‌درسی است که شامل اجزای سه‌گانه تولید یا تدوین، اجرا و ارزشیابی برنامه است. سومین معنای برنامه‌درسی، قلمرو مطالعاتی است که همچون هر قلمرو دیگر، ابعاد موضوعات، وسعت مفهومی خاص یا ساختار محتوایی دارد. آیزنر (۱۹۹۴، ص ۸۷) برنامه‌درس یک مدرسه یا یک کلاس درس را می‌توان مجموعه‌ای از وقایع از پیش تعیین شده دانست که به قصد دستیابی به نتایج آموزشی - تربیتی مشخص می‌شود. بنابراین باید هم فرایند و هم محصول آن به خوبی معرفی شود. در این کتاب لازم است برنامه‌درسی به عنوان یک نظام مشخص شود تا سبب شناخت بهتر موضوع شود. بهتر است در این بخش درباره مؤلفه‌ها یا عناصر برنامه‌درسی، توضیح داده شود که چه دیدگاه‌هایی وجود دارد. درباره اجزا و عناصر برنامه به هیچ‌روی میان صاحب‌نظران اتفاق نظر وجود ندارد و دامنه وسیعی را از یک تا نه عنصر دربرمی‌گیرد (مهرمحمدی و همکاران، ۱۳۹۶). آیزنر (۱۹۹۴) از هفت عنصر، هدف، انتخاب محتوا، انتخاب فرصت‌های یادگیری، سازمان‌دهی فرصت‌ها، سازمان‌دهی فرصت‌های محتوایی، اشکال ارائه و اشکال پاسخ و ارزشیابی نام می‌برد. کلاین (به نقل از مهرمحمدی، ۱۳۹۶) از نه عنصر هدف‌ها، محتوا، فعالیت‌های یادگیری، روش‌های تدریس، مواد و منابع یادگیری، ارزشیابی، زمان، فضا و گروه‌بندی؛ و ون دن اکر و همکاران (به نقل از حسینی، ۱۳۹۷، ص ۱۲۷) از ده عنصر منطق یا چرایی، اهداف، محتوا، فعالیت‌های یادگیری، نقش معلم، مواد و منابع، گروه‌بندی، مکان، زمان و سنجش نام می‌برند.

1. curriculum  
2. curriculum development

تیتراهای فرعی با عنوان فصل همخوانی دارد، اما جای خالی تعاریف برنامه‌درسی، برنامه‌درسی پوچ، برنامه‌درسی عملیاتی، فوق‌برنامه و برنامه‌درسی مغفول و اصول برنامه‌ریزی درسی احساس می‌شود. اگرچه در صفحات ۲۴، برنامه‌درسی قصدشده و ۲۹ برنامه‌درسی پنهان و ۳۴ برنامه‌درسی انفرادی آورده شده است، اما این محتوا غنی کافی را ندارد. همچنین با در نظر گرفتن برداشت‌های متعدد از برنامه‌ریزی درسی، مشخص نیست کدام‌یک از تعاریف برنامه‌ریزی درسی مورد نظر است. از آنجایی که فهم دقیق از برنامه‌ریزی درسی، اساس اقدامات بعدی در این زمینه است، بدفهمی از آن، تأثیرات فراوانی بر اقدامات بعدی در این زمینه خواهد داشت. این فصل عنوان خوبی دارد، اما محتوای فصل از قوت و غنای محکمی برخوردار نیست.

در فصل‌های دوم، سوم و چهارم به مبانی برنامه‌ریزی درسی پرداخته شده است. در فصل دوم، مبانی روان‌شناختی، رشد و یادگیری، فصل سوم، مبانی جامعه‌شناختی و فصل چهارم، برنامه‌درسی و نظام ارزش‌ها مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین در فصل چهارم اهداف پایه‌های تحصیلی اول تا پنج دوره ابتدایی به تفکیک در سه حوزه شناختی، مهارتی و روان حرکتی مورد بررسی قرار گرفته است. زایس (به نقل از فتحی و اجارگاه، ۱۳۹۰، ص ۲۶) مبانی برنامه‌ریزی درسی را آن دسته از نیروهای بنیادی یا اساسی می‌داند که بر برنامه‌درسی، اهداف و محتوی آن اثر گذاشته و در ادبیات برنامه‌ریزی درسی از آن با عنوان عوامل تعیین‌کننده برنامه‌درسی نام برده است. از دیدگاه فتحی و اجارگاه (۱۳۹۰)، مبانی برنامه‌ریزی درسی شامل مبانی فلسفی، میانی اجتماعی و فرهنگی و مبانی روان‌شناختی است. مهرمحمدی (۱۳۹۶)، بنیان‌های اساسی در قلمرو برنامه‌درسی بنیان‌های فلسفی، روان‌شناختی و اجتماعی نام می‌برد. همچنین ملکی (۱۳۹۰) معتقد است نظام اعتقادی و ارزشی (فلسفه) در رأس هرم مفهومی برنامه‌درسی قرار دارد. فلسفه تربیتی یک معیار اساسی انتخاب است و معیارهای دیگر از این الهام می‌گیرد. برنامه‌ریزان درسی قبل از هر چیز باید شناخت درستی از دیدگاه فلسفی فرهنگ و کشور خود داشته باشد و براساس آن درباره منابع اطلاعاتی دیگر و پس از آن تعیین هدف‌های تصمیم‌گیری کنند. لذا با توجه به نقش تأثیرگذار فلسفه (مبانی ارزشی) در تمامی ابعاد و مراحل برنامه‌ریزی درسی بهتر است مبانی برنامه‌ریزی درسی با مبانی فلسفی و ارزشی شروع شود. بنابراین فصل دوم و چهارم باید جابه‌جا شود. جای خالی مکاتب فلسفی و تأثیر آن‌ها بر عناصر چهارگانه برنامه‌درسی و تمرکز بر دوره ابتدایی در این فصل احساس می‌شود. در فصل مبانی

روان‌شناختی در دوره ابتدایی بر تفکر خلاق، تفکر انتقادی، اصول پرورش آن‌ها، حل مسئله و برنامه‌دستی یادگیری معنادار مورد بررسی قرار گیرد. فصل مبانی روان‌شناختی، در ۵ صفحه که دو صفحه آن خلاصه فصل است، تنظیم شده است و بیشتر محتوای آن مشابه سایر کتب روان‌شناسی یادگیری و پرورشی است. در فصل مبانی جامعه‌شناختی، تمامی مطالب به صورت درهم‌تنیده و کلی بیان شده است. جای مباحث جامعه، فرهنگ، فرهنگ برنامه‌دستی، عناصر فرهنگ، برنامه‌دستی و میراث فرهنگی، اصول و اشارات اجتماعی برای برنامه‌ریزان خالی است. از آنجای که مبانی در برنامه‌ریزی درسی به مقدار زیادی به تصمیمات بعدی برنامه‌ریزان درسی جهت می‌دهد، از بخش‌های کلیدی در این کتاب است و بایستی توجه بیشتری به این فصول شود.

در ادامه فصل سوم، اهداف هر پایه آورده شده است، ولی با توجه به این که از سال ۱۳۹۰ پایه ششم به پایه‌های دوره ابتدایی اضافه شده است، ولی در این کتاب اهداف شناختی، عاطفی و روان - حرکتی این پایه تحصیلی از قلم افتاده است. از طرفی مبانی فلسفی بسیار مختصر توضیح داده شده است که این مهم شرح مبسوط و مفصل را می‌طلبد. فصل سوم در مورد مبانی جامعه‌شناختی برنامه‌دستی است. این فصل هیچ عنوان فرعی نداشته و بیشتر صفحه‌های آن فاقد منبع است. ملکی (۱۳۹۰) اذعان می‌دارد در مطالعه نیازهای جامعه، جنبه‌های اساسی آن از قبیل اقتصاد، سیاست، فرهنگ، خانواده و مؤسسات اجتماعی مورد بررسی قرار گیرند. پس به جا خواهد بود در این فصل به این موارد توجه شود. اهداف خیلی سطحی با منابع قدیمی می‌تواند از کیفیت و کارایی کتاب کم کند. فصل دوم به صورت کلی و به دو عنوان فرعی شامل، مفهوم یادگیری و مبانی فرایند یادگیری در دوره ابتدایی پرداخته است. طرح نظریه‌های یادگیری در این فصل خالی بوده و آنچه ذکر شده بسیار مختصر و قدیمی است.

فصل پنجم: از این فصل بخش دوم کتاب با عنوان سازمان برنامه‌دستی درسی شروع می‌شود. عنوان این فصل گروه‌بندی کودکان در مدارس ابتدایی است و عنوان‌های فرعی عبارت‌اند از: مزایا و محدودیت‌های دانش‌آموزان، تشکیل گروه‌های آموزشی، مزایا و محدودیت‌های آن، مزایا و محدودیت‌های تدریس گروهی. در ابتدای این فصل بهتر بود در مورد سازمان برنامه‌دستی و تعریفی از این اصطلاح توضیحاتی داده شود. با توجه به عنوان کتاب برنامه‌ریزی درسی برای مدارس ابتدایی در هزاره سوم، انتظار می‌رود که بخش‌های و فصول کتاب مطابق با حداقل یکی از رویکردهای مطرح در زمینه برنامه‌ریزی

درسی باشد. از نظر فتحی و اجارگه (۱۳۹۰)، مراحل برنامه‌ریزی درسی عبارت‌اند از: نیازسنجی و تدوین هدف، محتوا و فعالیت‌های یادگیری، روش تدریس، اجرا و ارزشیابی برنامه درسی است. تابا در کتاب خود با عنوان *برنامه‌ریزی درسی*، مراحل برنامه‌ریزی را شامل: تشخیص نیاز، تعیین هدف، انتخاب محتوا، سازمان‌دهی محتوا، انتخاب تجربه‌های یادگیری، سازمان‌دهی فعالیت‌های یادگیری و ارزشیابی نام می‌برد (تایلر به نقل از ملکی، ۱۳۹۰)، خاطر نشان می‌کند، برنامه‌ریزان درسی باید این مراحل را انجام دهند: (۱) تعیین هدف؛ ۲. تجربه‌های آموزشی مربوط به هدف‌ها؛ ۳ سازمان‌دهی تجربه‌ها؛ و ۴ ارزشیابی اهداف. با توجه به مراحل برنامه‌ریزی درسی، گنجاندن اصطلاح سازمان برنامه درسی در بخش و فصولی جداگانه موجب بدفهمی دانشجویان از مراحل برنامه‌ریزی خواهد شد. ملکی (۱۳۹۰) سازمان برنامه درسی را ذیل عنوان فصل سازمان‌دهی محتوای برنامه درسی آورده است. از این رو می‌توان این بخش را به عنوان سازمان‌دهی محتوای برنامه درسی تغییر داد.

فصل ششم: عنوان این فصل، سازمان دادن تجارب یادگیری نام گرفته است و عنوان‌های فرعی شامل اصول سازمان دادن برنامه درسی و انواع سازمان دادن است. مسائل اساسی سازمان‌دهی محتوای برنامه درسی، توالی، استمرار، وسعت و تعادل در این فصل ذیل عنوان اصول سازمان‌دهی، محتوای برنامه درسی مورد بررسی قرار گرفته است. در پاراگراف آخر در صفحه ۶۸ می‌خوانیم:

در سازمان برنامه درسی، به‌ویژه در مدارس ابتدایی عدم پای‌بندی به اصل توالی تجارب به‌فراوانی مشاهده می‌شود. استقرار سیستم نردبانی ارتقا از یک پایه به پایه بعدی براساس تکمیل بخش‌هایی از موضوع‌ها و محتوای درسی در دوره طولانی تحصیل در مدرسه یکی از این موارد است.

به گفته ملکی (۱۳۹۰) یکی از مسائل اساسی در سازمان‌دهی محتوای برنامه درسی توالی است که عبارت‌اند از: ساده به مشکل، مطالعه براساس پیش‌نیازها، جزء به کل، کل به جزء، نظم کرونولوژی وقایع، از حال به گذشته است که در سازمان‌دهی محتوای برنامه درسی ابتدایی رعایت شده است در این فصل از کتاب عنوان سازمان‌دهی برنامه درسی و سازمان برنامه درسی متعدد به کار گرفته شده است و منظور نویسنده از سازمان برنامه درسی مشخص نشده است. در عنوان فرعی دوم، انواع سازمان‌دهی برنامه درسی شرح داده شده است. در این بخش توجه به تلفیق در کتاب مطالعات درسی به صورت یک مورد از کاربرد



تلفیق چندرشته‌ای مطرح شود. این فصل فاقد منبع مشخص است. استفاده از منابع به‌روز و نوشتن منابع در این فصل لازم به‌نظر می‌رسد.

فصل هفتم: این فصل با عنوان سازمان دادن کلاس برای زیستن و یادگیری و عنوان‌های فرعی الف) اصول و روش‌های مبتنی بر ارزش‌های متعالی جامعه؛ ج) اصول روش‌های آموزش مبتنی بر هدف‌های کلی، آموزش و پرورش است که بیشتر مطالب آن تکرار مطالب فصول قبل بوده که یا باید حذف یا در فصول قبلی آورده شود. همچنین مطالب این فصل فاقد منبع است.

فصل هشتم: با عنوان رهبری بهسازی و توسعه برنامه درسی است که بهتر است بین دو واژه اول از ویرگول استفاده شود.

بخش سوم کتاب شامل فصل‌های نهم تا چهاردهم است. این بخش و فصول آن در مورد محتوا و چگونگی آموزش حوزه‌های وسیع برنامه درسی مدارس ابتدایی بحث می‌کند. نویسنده در این بخش، حوزه‌های مورد مطالعه را شامل ریاضیات، علوم تجربی، بهداشت و تربیت بدنی، تعلیمات دینی و اخلاق، مطالعات اجتماعی، هنرهای زیبا، ارتباطات و فناوری ذکر می‌کند و در فصول بعد به تفکیک به هر کدام می‌پردازد. البته با توجه به تحول نظام تعلیم و تربیت به‌خصوص در دوره ابتدایی و افزودن پایه ششم به دوره ابتدایی بهتر بود به جای استفاده از فناوری، از کار و فناوری استفاده شود. همچنین در هر کدام از حوزه‌های محتوایی معرفی کامل صورت نگرفته است. برای مثال در فصل دوازدهم در حوزه محتوایی علوم تجربی، انواع روش‌های ارزشیابی بررسی شده است، اما در فصل یازدهم در مورد حوزه محتوایی ریاضی به ارزشیابی در این حوزه توجهی نشده است. در این بخش در مورد حوزه‌های محتوایی کار و فناوری و تعلیمات دینی و اخلاق مطالبی نوشته نشده است.

بخش چهارم شامل فصل‌های پانزدهم و شانزدهم، با عنوان ارزشیابی پیشرفت دانش‌آموزان و چشم‌انداز آینده شروع شده است. در این فصل جنبه‌های مختلف ارزشیابی از جمله ارزشیابی از آموزش و ارزشیابی از برنامه درسی مطرح شده است. در فصل پانزدهم این پاراگراف دیده می‌شود: «برای ارزشیابی توسعه تفکر انتقادی کودکان از آزمون‌های آماده و یا از آزمون‌های معلم یا محقق ساخته استفاده می‌شود. معلمان باید ملاک‌هایی را برای ارزشیابی فعالیت‌های آفرینشی دانش‌آموزان تدوین کنند».

جای خالی نمونه‌هایی از این آزمون‌ها در پیوست کتاب احساس می‌شود. ضروری به نظر می‌رسد.

### منابع مورد استفاده

منابع اثر بر اساس اعتبار منابع، استفاده کافی از منابع جدید و موجود، دقت در استنادات و ارجاعات اثر با توجه به اصول منبع‌دهی علمی و رعایت امانت بررسی شد. اعتبار منابع از دو جهت قابل طرح است: نخست ارزش و بار علمی منابع استفاده‌شده و دوم بهره‌گیری از یافته‌ها و منابع جدید علمی. منابع استفاده‌شده در این اثر، بر اساس بُعد اول، معتبر و علمی هستند، اما بر اساس بُعد دوم، از منابع به‌روز استفاده نشده است، زیرا جدیدترین منبع فارسی اثر به سال ۱۳۸۶ و جدیدترین منبع انگلیسی، به سال ۲۰۰۳ مربوط است. همچنین از بسیاری از منابع به‌روز و جدید مرتبط با موضوع در این اثر استفاده نشده است. در استنادات و ارجاعات اثر نیز کاستی‌هایی وجود دارد و یکی از کاستی‌های اثر مذکور، نداشتن منبع مشخص در بیشتر فصل‌های کتاب است.

### بررسی و تحلیل علمی

در بررسی و تحلیل علمی اثر، به تحلیل و نقد موضوع اثر و بی‌طرفی علمی و نداشتن جانب‌داری پرداخته می‌شود. در این اثر به‌ویژه در فصل‌های اول، دوم، سوم و چهارم، و پانزدهم تحلیل‌هایی انجام شده است تحلیل علمی فصل اول و چهارم تقریباً مناسب است، اما دو مشکل اساسی وجود دارد: مشکل اول عدم توصیف کامل موضوع، و مشکل دوم تحلیل‌های ناقص است. به مشکل اول، در پاسخ به سؤال مربوط به نظم و انسجام درون فصلی، پرداخته شده است. اما موارد مربوط به مورد دوم به شرح زیر است: در صفحه ۲۹، برنامه درسی پنهان یا ضمنی این‌گونه تشریح شده است: «این نوع برنامه جنبه فراموش‌شده یا نادیده انگاشته‌شده در برنامه اصلاح و بهبود مدرسه بوده است».

تعریف برنامه درسی پنهان در صفحه ۲۹ کتاب، مناسب نیست و مفهوم برنامه درسی مغفول را در ذهن ایجاد می‌کند. تعاریف ذیل این مفاهیم را روشن می‌کند. موسی‌پور (۱۳۸۷) این نوع از برنامه درسی مغفول<sup>۱</sup> را مطرح کرده که شامل آن دسته از

فرصت‌های یادگیری است که به قصد و عمد از برنامه درسی آشکار حذف شده‌اند. همچنین مهرمحمدی (۱۳۸۷) برنامه درسی مغفول را شامل حوزه‌هایی می‌داند که به دلیل ناآگاهی یا عادت از صحنه برنامه درسی قصد شده یا آشکار حذف شده‌اند (صفایی موحد، ۱۳۹۵، ص ۲). از دیدگاه آیزنر (۱۹۹۴، ص ۸۷) و برنامه درسی پنهان از یادگیری‌هایی حکایت می‌کند که در چارچوب اجرای برنامه درسی تصریح شده است و به دلیل حضور در بطن و متن فرهنگ حاکم بر نظام آموزشی، دانش‌آموزان تجربه می‌کنند. تجربه‌های یادگیری که بدین وسیله حاصل می‌شود عمدتاً در قالب مجموعه‌ای از انتظارات و ارزش‌ها تبلور می‌یابد و کم‌تر معطوف به حوزه دانستی‌ها یا شناخت، مربوط دانسته شده است. نویسنده در صفحه ۳۴ از نوع جدیدی از برنامه درسی با عنوان برنامه درسی شخصی و انفرادی نام برده و تعریف کرده است. این از برنامه درسی در هیچ‌یک از متون علمی مشاهده نشده است. به نظر می‌رسد مؤلف، برنامه درسی و روش‌های آموزش را خلط کرده است. پدیده تفاوت فردی در اکثر متون تخصصی به منزله پدیده‌ای که صرفاً دارای دلالت‌هایی برای روش‌ها یا فرایندهای تعلیم و تربیت است، شناخته شده و توجه به آن عمدتاً در نگاه به وسایل و ابزار تعلیم و تربیت خلاصه می‌شد. نمونه بارز این طرز تفکر را در نظریه یادگیری در حد تسلط بلوم می‌توان یافت و این سیاست حداکثر به سیاستی می‌انجامد که به آن اصطلاحاً «افتراق آموزشی» گفته می‌شود. اصطلاح رایج دیگر برای معرفی این نوع نگاه انفرادی کردن آموزش است. اما در سایه هوش‌های چندگانه پی می‌بریم که دامنه تأثیرگذاری این پدیده به روش‌ها، وسایل یا فرایندها محدود نیست و اهداف، غایات و محتوای یادگیری را نیز در برمی‌گیرد. می‌توان چنین حکم کرد که تحقق یافتن تعلیم و تربیت انسانی با توجه به پیچیدگی‌های انسان صرفاً از طریق دست‌کاری در روش‌ها (روش‌های آموزش، یادگیری و ارزشیابی و...) تضمین نمی‌شود. اگرچه این روش‌ها اهمیت فراوان دارند و گاردنر نیز بر آن‌ها تأکید می‌ورزد، اما ایجاد تنوع و تکثر در اهداف و محتوای برنامه‌ها به تناسب تنوع و تکثر در اهداف و محتوای برنامه‌ها به تناسب تنوع و تکثر در ظرفیت‌های هوشی افراد نیز ضرورتاً باید در کانون توجه قرار گیرد تا در اجرای خصلت انسانی تعلیم و تربیت به شکلی کامل تر رخ بنمایاند. این تفکر به سیاستی می‌انجامد که اصطلاحاً به آن افتراق برنامه‌ای می‌گویند. اصطلاح شخصی کردن برنامه درسی نیز در همین زمینه به کار می‌رود که باید از خلط مفهوم آن با اصطلاح انفرادی کردن آموزش به شدت حذر کرد (مهرمحمدی، ۱۳۹۲، ص ۳۷۱).

## نوآوری و نو بودن

نوآوری و نو بودن شامل طرح نظریه علمی جدید، ارائه ساختار علمی نو، به کارگیری ادبیات علمی روزآمد، طرح افق نو و خلاقیت ویژه، تنظیم جدید مباحث، طرح استدلال نو و روزآمدی داده‌های و اطلاعات اثر است. این اثر گردآوری و بازنویسی مبانی نظری موجود در برنامه درسی در دوره ابتدایی است و نوآوری خاصی در آن دیده نمی‌شود. همچنین به دلیل ابهام در نظم و انسجام منطقی مطالب نمی‌توان بینش یا برداشت جدید یا بدیع ارائه داد.

همچنین جدیدترین منبع فارسی اثر با سال ۱۳۸۶ و جدیدترین منبع انگلیسی آن به سال ۲۰۰۳ برمی‌گردد. با در نظر گرفتن اطلاعات به دست آمده، این اثر چندان به روز نیست. از طرفی دیگر در این اثر، اهداف آموزش و پرورش در دوره ابتدایی در صفحه ۵۴، براساس طرح نظام آموزش و پرورش در سال ۱۳۶۷، در سه حیطه شناختی، عاطفی و روان حرکتی تا پایه پنجم دوره ابتدایی مطرح شده است که به هیچ وجه با تحولات اخیر در دوره ابتدایی همخوانی ندارد. بنابراین روزآمدی داده‌ها و اطلاعات اثر جای سؤال دارد. این امر در بخش برنامه‌ریزی درسی، هدف گذاری و ساختار دوره‌ها، تهیه و تدوین فهرست رئوس مطالب، مفید بودن کتاب را با چالش همراه می‌کند.

## مبانی و پیش فرض‌ها

مبانی و پیش فرض‌ها شامل مبانی و پیش فرض‌های حوزه موضوعی - معرفتی و مبانی و اصول دینی و اسلامی است. این اثر منافاتی با اصول دینی و اسلامی ندارد، اما از نظر سازواری با مبانی و پیش فرض‌های پذیرفتی در حوزه موضوعی، کاستی‌هایی متعددی وجود دارد. به بیان دیگر با معیار قرار دادن برداشت‌های برنامه درسی، در این اثر برنامه درسی به عنوان محتوا مدنظر بوده است. برداشت سنتی که کاستی‌های متعددی دارد. بهتر بود در فصول ابتدایی تعاریف متعدد برنامه درسی بیان و تعریف مورد نظر از این مفهوم برای کاربرد در این کتاب ذکر شود.

با معیار قرار دان عناصر برنامه درسی و پذیرش عناصر چهارگانه هدف، محتوا روش و ارزشیابی، عناصر روش‌های یاددهی و یادگیری در برخی از حوزه‌های موضوعی و برخی محتواهای دوره ابتدایی نادیده گرفته شده است.

در این اثر در توجه به مبانی و پیش فرض‌های علمی و پژوهشی مرتبط با برنامه‌ریزی

درسی مثل انواع برنامه‌های درسی، مبانی جامعه‌شناختی، ارزش‌شناختی، ارزشیابی و حوزه‌های موضوعی توجه شده است، ولی به نظر می‌رسد جای مبانی جدید مانند برنامه‌درسی به مثابه فرهنگ متن‌پدیدارشناسانه و متن‌زیباشناختی و بحث‌های جدید در این حوزه خالی است.

### انطباق و جامعیت

جامعیت اثر با انطباق محتوا با عنوان و فهرست آن و همچنین با اهداف درس موردنظر سنجیده می‌شود. تناسب عنوان و فهرست مطالب در معیار نظم منطقی و انسجام مطالب تشریح شد. درباره‌ی تناسب کتاب با اهداف درس موردنظر نیز می‌توان به هدف از تألیف این اثر استناد کرد.

براساس پاراگراف دوم پیش‌گفتار صفحه ۱۸: «با توجه به کمبود منابع برنامه‌ریزی درسی در دوره‌ی ابتدایی به زبان فارسی، به گردآوری و ترجمه و تدوین کتابی برای برنامه‌ریزی درسی مدارس ابتدایی اقدام شد».

از آنجاکه این اثر بیشتر یک کتاب کمک‌درسی دانشجویان کارشناسی علوم تربیتی و کارشناسی ارشد و دکتری برنامه‌ریزی درسی است، همچنین بیشتر مطالب این اثر در کتاب‌های تخصصی اصول برنامه‌ریزی درسی، تألیف کوروش فتحی واجارگاه، برنامه‌ریزی درسی، راهنمای عمل، دکتر حسن ملکی و خواننده با مراجعه به آن‌ها بهتر می‌تواند به حوزه‌ی مطالعات برنامه‌درسی اشراف پیدا کند. اگرچه این اثر می‌تواند به صورت منبع کمکی به کار رود، اما جامعیت لازم را ندارد.

### نحوه‌ی به‌کارگیری ابزارهای علمی

در این اثر از ابزارهای علمی مختلف مانند پیش‌گفتار، مقدمه‌ی بخش‌ها (دو و چهارم)، فهرست تفضیلی مطالب، واژه‌نامه و منابع استفاده شده است، اما اهداف ضمنی، جدول و نمودار، اهداف درس، تمرین و آزمون، پیوست‌ها و واژه‌نامه در این اثر دیده نمی‌شود. نحوه‌ی استفاده از این ابزارهای علمی به شرح زیر است:

پیش‌گفتار: در این بخش توضیحاتی درباره‌ی لزوم توجه به برنامه‌ریزی درسی دوره‌ی ابتدایی، محتوای مورد مطالعه، مبنای محتوای برنامه‌درسی، ارزشیابی، تشکر از همکاران آورده شده است.

مقدمه بخش‌ها: از چهار بخش عمده در این کتاب، تنها دو بخش به صورت خلاصه دارای مقدمه بوده که صرفاً مطالب تشریح‌شده در بخش را توضیح می‌دهند. فهرست منابع: فهرست منابع خوب است و براساس APA تنظیم شده است؛ هرچند نیاز به ویرایش دارد و لازم است در دو طرف پراکنش سال، نقطه آورده شود و بعد از عنوان اثر نقطه گذاشته شود نه ویرگول و همچنین بعد از محل نشر، دونقطه آورده شود نه ویرگول. البته آوردن خلاصه درس و جمع‌بندی در پایان فصل سبب شده است که خواننده به برداشت مناسبی از آن برسد.

### اصطلاحات تخصصی

از آنجایی که اکثر مطالب این کتاب برگرفته از دیگر آثار در زمینه برنامه‌ریزی درسی است، کوشش چندان تازه‌ای برای پردازش و تحلیل مفهومی اصطلاحات، مطالعه و معنادار کردن آن‌ها انجام نشده است و همین امر کاربرد اصطلاحات را در قالب تکراری و کلیشه‌ای همانند سایر کتاب‌های این حوزه قرار داده است. با این توضیح معادل‌سازی و کاربرد اصطلاحات تخصصی تا حد زیادی مربوط و مناسب است. معادل‌سازی عنوان کتاب در پشت جلد کتاب وجود دارد. در بعضی مطالب کتاب نیز معادل‌سازی لازم انجام نشده است. به عنوان مثال، استفاده از واژه «سازمان برنامه درسی» برای یکی از بخش‌های کتاب است. استفاده از این واژه ابهام دارد. همچنین اصطلاح رایجی در این حوزه تخصصی نیست.

### بحث و نتیجه‌گیری

در این مقاله کتاب برنامه‌ریزی درسی برای مدارس ابتدایی در هزاره سوم نقد و بررسی شد. با توجه به مواردی که در قسمت‌های قبلی بیان شده و در جهت ارتقای هرچه بیشتر این کتاب، می‌توان پیشنهادهای زیر را ارائه داد: کتاب مذکور از نظر میزان تکرار و تشابه محتوای آن با برخی از آثار دیگر مؤلفان، بی‌توجهی به واقعیات و تحولات برنامه درسی دوره ابتدایی در سال‌های اخیر نیازمند بازنگری است. توجه به موارد ذیل و رفع آن‌ها می‌تواند در افزایش غنای کتاب تأثیر داشته باشد.

برخی مباحث مطرح شده در این کتاب (از جمله فصل سوم و چهارم) در کتاب *مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی آموزشی و درسی* تألیف نویسنده (۱۳۸۰)، *مبانی و اصول آموزش* و *پرورش تألیف علی تقی‌پور* ظهیر بیان شده‌اند. در واقع از این نظر که مطالب فصول مذکور به طور کامل در کتاب قبلی نویسنده و سایر کتب در این زمینه آمده است، تکرار یا طرح مجدد آن در اثر دیگری که موضوع محوری آن برنامه‌ریزی درسی باشد، چندان توجیه‌شدنی نیست.

کتاب فاقد مباحث مرتبط با وضعیت و چالش‌های کنونی برنامه‌ریزی درسی در دوره ابتدایی و ارائه تبیین و راهکارهای لازم، می‌توانست از یک سو کتاب را از ارائه صرف مباحث نظری خارج کند و از سوی دیگر تصویری روشن‌تر از واقعیات نظام آموزشی ایران ارائه دهد که قطعاً برای مخاطب معنادارتر و جذاب‌تر بود.

در فصل شانزدهم کتاب، چشم‌انداز آینده مدارس ابتدایی می‌تواند شامل آموزش محیط‌زیست، آموزش صلح، آداب و مهارت‌های زندگی، آموزش شهروندی و فناوری اطلاعات و ارتباطات نیز باشد. در این صورت محتوا، عنوان نوشته‌شده بر کتاب را بیشتر نشان خواهد داد.

عنوان بخش سوم می‌تواند به حوزه‌های موضوعی برنامه درسی دوره ابتدایی تغییر کند. در این بخش تمام محتوا در شش پایه تحصیلی از نظر، اهداف، ماهیت محتوا، روش تدریس و ارزشیابی به صورت مفصل مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

در بخش چهارم، ارزشیابی کیفی - توصیفی به طور مفصل به عنوان یکی از ابزارهای جدید در دوره ابتدایی مورد بررسی قرار گیرد.

فصل اول کتاب به مقدمات برنامه‌ریزی درسی تغییر یابد و در این بخش انواع برنامه درسی، رویکردها، مراحل تدوین برنامه درسی، دیدگاه‌های اساسی انتخاب محتوا، اصول انتخاب و سازمان‌دهی محتوا در دوره ابتدایی مورد بررسی قرار گیرد.

## منابع

- ابوالحسنی، ز. (۱۳۸۵). کتاب درسی دانشگاهی (۱)، ساختار و ویژگی‌ها. *اولین همایش بین‌المللی کتاب‌های درسی دانشگاهی*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- امینی، م. (۱۳۹۶). *تقدیمی بر کتاب برنامه درسی و آموزش هنر در آموزش و پرورش*. پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، ۱۷ (۶)، ۲۲-۴۰.
- آرمند، م. (۱۳۸۷). *ویژگی‌های نمونه‌ای از یک کتاب درسی دانشگاهی*. سخن سمت.
- حسنی، س.م.، و امین خندقی، م. (۱۳۹۶). *بررسی و تحلیل کتاب‌های درسی دانشگاهی انتشارات سمت*

- رشته کارشناسی علوم تربیتی. مجموعه مقالات اولین همایش ملی نقد متون و کتب علوم انسانی، جلد اول (تجارب حرفه‌ای نقد).
- حسینی، س.م.ح. (۱۳۹۹). نقدی بر کتاب برنامه‌ی درسی در دوره‌ی متوسطه. پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، ۲۰(۱۰)، ۴۷-۱۹. <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=۵۶۸۳۸۶>
- حسینی، س.م.ح. (۱۳۹۷). نقدی بر کتاب رویکردهای نظری و عملی تدوین برنامه‌های درسی در آموزش عالی. پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی، ۴۳، ۱۱۶-۱۴۱.
- حسینی، س.م.ح.، و مطور، م. (۱۳۹۱). نقدی بر کتاب‌های درسی رشته علوم تربیتی در ایران. پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی، ۱۶(۲۶)، ۱۱۹-۱۴۲.
- حسینی، س.م.، و امین خندقی، م. (۱۳۹۶). بررسی و تحلیل کتاب‌های درسی دانشگاهی انتشارات سمت رشته کارشناسی علوم تربیتی. همایش ملی نقد متون و کتب علوم انسانی.
- زین آبادی، ح.ر.، و بابان آبادی، ح.ر. (۲۰۱۷). تأملی بر عوامل و نشانگان کارآمدی و اثربخشی یک کتاب مطرح در رشته مدیریت آموزشی. پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی، ۲۱(۴۰)، ۱-۲۴.
- صفایی موحد، س. (۱۳۹۵). برنامه‌ی درسی مغفول. دانشنامه ایرانی برنامه‌ی درسی، محور یازدهم، <http://www.daneshnamehicsa.ir/>
- فتحی واجارگاه، ک. (۱۳۹۰). اصول برنامه‌ریزی درسی. تهران: ایران زمین.
- مک کاجن، جی (۱۳۹۶). نقادی و خبرگی آموزشی. ترجمه ع.ر. کیامنش. در: برنامه‌ی درسی: نظرها، رویکردها و چشم اندازها. مهرمحمدی، م. و همکاران (۱۳۹۶). تهران: سمت.
- ملکی، ح. (۱۳۹۰). برنامه‌ریزی درسی، راهنمای عمل. مشهد: پیام اندیشه.
- منصوریان، ی. (۱۳۹۲). صد ویژگی کتاب‌های دانشگاهی کارآمد و اثربخش. پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی، ۲۹، ۱-۱۷.
- مهرمحمدی، م. (۱۳۹۲). جستارهای نظروزرانه در تعلیم و تربیت. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- مهرمحمدی، م. (۱۳۹۶). برنامه‌ی درسی، نظرها، رویکردها، چشم اندازها. تهران: سمت.
- نیلی احمدآبادی، م.ر.، و دانا، ع. (۱۳۹۶). جستاری بر ابعاد و مؤلفه نقدانه ارزیابی کتب درسی دانشگاهی با تأکید بر اصول طراحی و سازمان‌دهی پیام‌های آموزشی. پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، ۱۷(۷)، ۲۱۹-۲۳۳.
- هاگرسون، ن. ال (۱۳۹۴). کاوشگری فلسفی. ترجمه م.ج. پاک‌سرشت. در روش‌شناسی مطالعات برنامه‌ی درسی. شورت، ادموند سی. ترجمه مهرمحمدی، م. و همکاران (۱۳۹۴). تهران: سمت.
- Antic, S., Ivic, I., & Pesikan, A. (Eds.). (2013). *Textbook quality: A guide to textbook standards* (Vol. 2). V&R unipress GmbH.
- Eisner, E. W. (1994). *The educational imagination: on the design and evaluation of school programs*. New York: Macmillan publishing co, INC.
- Fey, C. C., & Matthes, E. (2018). Textbook quality criteria and evaluation. In *The Palgrave handbook of textbook studies* (pp. 157-167). Palgrave Macmillan, New York.
- Karimnia, A., & Jafari, F. M. (2017). Critical ESP textbook evaluation: The case of visual arts textbook. *Sustainable Multilingualism*, 11, 219-236.
- Wain, K. (2022). Different perspectives on evaluating textbooks. In *History and Social Studies-Methodologies of Textbook Analysis* (pp. 35-41)